



واکاوی مولفه‌های بازدارنده‌ی توسعه‌ی کسب و کار در مناطق روستایی مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان بویراحمد

پدیدآورده (ها) : رکنی، فرشاد؛ سلیمانی، حسین
جغرافیا :: پژوهش‌های مکانی فضایی :: پاییز 1397 - شماره 8
از 26 تا 41

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1436279>

دانلود شده توسط : سید رامین غفاری
تاریخ دانلود : 22/10/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

واکاوی مؤلفه‌های بازدارنده‌ی توسعه‌ی کسب و کار در مناطق روستایی

مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان بویراحمد

فرشاد رکنی* (دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف)

حسین سلیمانی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد)

چکیده

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی -تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی استفاده شده است. قلمرو مکانی این پژوهش بخش مرکزی شهرستان بویراحمد است. جامعه آماری تحقیق، تمامی سرپرستان خانوار بخش مرکزی شهرستان بویراحمد بود که تعداد ۲۱۰ نفر از سرپرستان خانوار به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. در این پرسشنامه جهت شناخت عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی از ۶۳ متغیر در قالب سؤالات در مقیاس لیکرت استفاده شد. سطح پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون مقدماتی از طریق تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عمل آمد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ محاسبه گردید که بیانگر نرمال بودن داده‌ها بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی در نرم افزار SPSS استفاده شد. در این پژوهش از تقلیل ۶۳ متغیر ۱۵ عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه بدست آمد. ۱۵ عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه شامل اقتصادی، اجتماعی، فردی، ضعف در شخصیت، ریسک‌گریزی، آموزشی، عوامل فنی، نا آگاهی، زیرساختی، تسهیلاتی، مدیریتی، حمایتی، عدم تعادل جنسیتی، عدم مشارکت، فقدان تجربه می‌باشد. این پانزده عامل در کل ۶۵/۷۵ درصد از کل واریانس عوامل بازدارنده کارآفرینی را تبیین نمودند. بر اساس نتایج بدست آمده اصلی‌ترین عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در این منطقه عامل اقتصادی است و مهم‌ترین متغیر بازدارنده‌ی اقتصادی نوسانات زیادی در قیمت مواد خام / تجهیزات می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل عاملی، عوامل بازدارنده، کارآفرینی، روستا، بخش مرکزی، شهرستان بویراحمد.

ایمیل نویسنده مسئول: farshad.rokni@gmail.com

مقدمه

کارآفرینی، موتور محرک توسعه اقتصادی کشورهاست. سه دلیل مهم کشورها برای توجه به کارآفرینی تولید ثروت، توسعه فناوری و اشتغال مولد می‌باشد (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۶). کارآفرینی یکی از عوامل کلیدی برای رسیدن به توسعه اقتصادی و ایجاد تحولات اجتماعی است که بخشی از بحران موجود جامعه بشری را که ناشی از پویا نبودن اقتصاد است برطرف می‌کند (ضیاء و وقارموسوی، ۱۳۹۵). امروزه کارآفرینی نقش کلیدی در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف ایفا می‌کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵). علی‌رغم همه‌ی تلاش‌های انجام شده در جهان، بیکاری همچنان به عنوان معضلی اساسی بیشتر کشورها را تهدید می‌کند. این موضوع به ویژه با بحران سال‌های اخیر شدت یافته و از اینرو، برای مهار آن تلاش دوچندان انجام شده و سیاست‌های متفاوتی در این راستا اعمال شده است (فیض پور و همکاران، ۱۳۹۰). بسیاری از دولت‌ها به دنبال ارتقاء و پیشرفت کارآفرینی و ایجاد کسب و کار بوده، چرا که کارآفرینی نقش مهمی در رشد و شکوفایی اقتصادی دارا می‌باشد (چانگ، ۲۰۰۴، ۱). مقوله‌ی «کارآفرینی» به عنوان مؤثرترین نیروی بالقوه‌ی اقتصادی در تاریخ جهان، به صورت بحث برانگیزی از حدود سه دهه‌ی گذشته تا کنون ظهور یافته و مطرح شده است (علی میری، ۱۳۸۷). امروزه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی معتقدند کارآفرینی یک راهبرد مناسب برای مبارزه با فقر و نگاهداشت ثروت در جوامع کم درآمد است؛ بنابراین، در پاسخ به اقتصاد جهانی، سیاستگذاران روستایی به توسعه کسب و کارهای کوچک، انجمن‌های تجاری منطقه‌ای و کارآفرینان محلی توجه کرده‌اند (شهرکی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین امروزه در جهان، کسب و کارهای نوین جهت احیای اقتصاد کشورها بسیار ضروری بوده (دلستراند، ۲۰۰۷). مطالعات مختلف نشان داده که از جمله راهکارهای مهم توسعه‌ی اقتصادی-چه در شهرها و چه در روستاها- ایجاد اشتغال و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نهایت افزایش درآمد مردم جامعه می‌شود. اگرچه کارآفرینی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست؛ اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است (قمبرعلی و زرافشانی، ۱۳۸۷). در جوامع امروزی کارآفرینی تأثیر انکارناپذیری در توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فناوری کشورها دارد (جعفرنژاد و همکاران، ۱۳۹۰). چرا که با قدم نهادن به قرن ۲۱، با توجه به معضل بیکاری، کارآفرینی در سطح خرد مقیاس جان تازه‌ای به اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بخشید (شان و همکاران، ۲۰۰۳). در نظریه‌های کلاسیک ادبیات کارآفرینی، آدام اسمیت کارآفرینی را فرآیند خلق ثروت دانسته است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). کارآفرینان کسانی هستند که محصولات، فرایندها و روش‌های نوین را کشف نموده و به بهره‌برداری می‌رسانند (بام و لاک، ۲۰۰۴). هیستریچ و پیترز (۲۰۰۲) کارآفرینی را فرآیند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش خطرات مالی، روانی و اجتماعی که البته با انگیزه کسب سود مالی، توفیق طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت می‌گیرد، تعریف کرده‌اند (علیدوست و

همکاران، ۱۳۹۱). از نظر پیتر دراگر (۱۹۸۵) کارآفرین کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند (ياسوری و همکاران، ۱۳۹۴). کارآفرینی و تشخیص فرصت به یکدیگر گره خورده‌اند و یکی از بخش‌های مهم در فرآیند کارآفرینی تشخیص فرصت است (نیک رفتار و حسینی، ۱۳۹۵). امروزه، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از جمله شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع تلقی شده که رفع معضل بیکاری به عنوان پدیده‌ای مخرب در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همواره از جمله دغدغه‌های برنامه‌ریزان بوده است (ایمانی و همکاران، ۱۳۹۶). نواحی روستایی به عنوان کانون تولید کشور محسوب می‌شوند و نقش اساسی در تأمین استقلال ایران به ویژه از منظر امنیت غذایی دارند. روستاها دارای قابلیت‌های اقتصادی فراوانی هستند که در صورت برنامه‌ریزی صحیح، می‌توان با شکوفایی آن‌ها، اقتصاد پویا و متنوعی را در نواحی یادشده پدید آورد. کسب و کارهای روستایی مهم‌ترین عنصر اقتصاد روستایی هستند که سبب اشتغالزایی و کاهش بیکاری، افزایش درآمد و افزایش بهره‌وری می‌شوند (ورمزیاری و ایمانی، ۱۳۹۶). توسعه کارآفرینی به عنوان راهبردی کارآمد برای حل معضل بیکاری، توسعه اقتصادی، فقرزدایی و عدالت اجتماعی روستاها به عنوان بخش بزرگی از نظام اجتماعی و جمعیتی که عوامل انسانی پرشماری در آن‌ها سکونت دارند مملو از قابلیت‌ها و زمینه‌های شناسایی نشده‌ای هستند که شناسایی و بهره‌برداری به موقع از آن‌ها در مسیر ایجاد کسب و کارهای جدید، می‌تواند مزایای اقتصادی فراوانی برای روستاییان به‌همراه داشته باشد (ياسوری و همکاران، ۱۳۹۴).

پیشینه پژوهش

در این قسمت به برخی از مطالعات مربوط به عوامل بازدارنده کارآفرینی اشاره شده است. قدیری معصوم و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحلیل موانع کارآفرینی در نواحی روستایی در دهستان غنی بیگلر، شهرستان زنجان پرداختند. در این مطالعه از تقلیل ۵۶ متغیر، ۶ عامل بدست آمد که این عوامل عبارتند از: عامل اقتصادی، فردی و زیرساختی، عامل اجتماعی، اقتصادی و فردی، عامل اجتماعی و زیرساختی و عامل اقتصادی و فردی. در این پژوهش عمده محدودیت‌ها در زمینه کارآفرینی روستایی مربوط به عوامل اقتصادی عنوان شد. ماراگانانتهام و ناتاراجان (۲۰۱۵) به بررسی موانع کارآفرینی در مناطق روستایی پرداختند. بر مبنای یافته‌های این پژوهش متغیرهای بازدارنده کارآفرینی در نواحی روستایی شامل متغیرهای عدم مهارت، نبود کمک، کمبود سرمایه، عدم آگاهی و ترس از آینده می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که دولت، سازمان‌های غیر انتفاعی، دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و بخش‌های تأثیرگذار باید برای بهبود آموزش، مهارت‌ها و دانش تلاش کنند و همچنین محیط خوبی برای ایجاد حس راحتی در راه‌اندازی یک کسب و کار جدید ایجاد نمایند. رحیم-پور و یوسفی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی موانع کارآفرینی زنان قالیباف روستایی پرداختند که منجر به شناسایی پنج عامل بازدارنده کارآفرینی زنان قالیباف شد. این عوامل عبارتند از: عامل اجتماعی-فرهنگی، عامل مهارتی، عامل فردی، عامل اقتصادی و عامل قانونی. علیدوست و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به

اولویت‌بندی موانع توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار پرداختند. بر اساس نتایج بدست آمده موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه به ترتیب شامل موانع اقتصادی، آموزشی، روانشناختی، فرهنگی - اجتماعی، سیاستگذاری و فنی می‌باشد. نصرالهی و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران در استان گیلان به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم موفقیت کارآفرینی به ترتیب شامل ناکافی بودن حمایت‌های دولتی، عدم ارتباط مناسب بین تولید و بازاریابی، عدم بازاریابی مناسب محصولات، سیاست‌های اعتباری نادرست، نبود همبستگی میان اعضاء، نا آشنایی اعضاء با اصول تعاونی، عدم بهره‌مندی از اعتبارات و تسهیلات دولتی، بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌باشد. در مجموع هفت عامل آموزشی، مشارکتی، حمایتی، توسعه‌ای، مدیریتی، مسئولیتی و دولتی تبیین‌کننده-ی عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های این منطقه می‌باشند. قمبرعلی و همکاران (۱۳۹۵) به ارزیابی فرهنگ کارآفرینی و عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان کشاورزی در شهرستان کرمانشاه پرداختند. نتایج بیانگر این است که موانع فرهنگی نیز شامل نبود فرهنگ خلاقیت، نپذیرفتن شکست، نگرش منفی به ریسک، بی‌اعتقادی به توانمندی‌های زنان، وجود فرهنگ مردسالاری در جامعه و سازمان‌ها و مخالفت والدین با فعالیت‌های کارآفرینی دختران می‌باشد. در کل نتایج نشان داد که وضعیت زیرسیستم فرهنگی در اکوسیستم کارآفرینی مطلوب نبوده و فرهنگ موجود نه تنها حامی کارآفرینی نیست، بلکه مانع نیز می‌باشد. جنگچی کاشانی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به تحلیل موانع توسعه کارآفرینی کشاورزی از دیدگاه کارآفرینان کشاورزی در استان قزوین پرداختند. در این پژوهش به محدودیت‌هایی مانند نرخ بالای بهره وام؛ قیمت بالای تجهیزات؛ سردرگمی و پیچیدگی قوانین، بوروکراسی اداری سخت، عدم حمایت از کارآفرینان جوان، عدم حمایت از کارآفرینان و ماهیت رقابتی، عدم حمایت مالی بانک از پروژه‌های کارآفرینی، وجود چندین متولی در کارآفرینی و قواعد پول دلالی و واسطه اشاره شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از لحاظ موانع فردی، فقدان آگاهی از روابط کاری، دارای بیشترین و عزت نفس پایین دارای کم‌ترین دارای اهمیت است. در رابطه با موانع سازمانی، متولیان (بازرسان) کارآفرینی دارای بیشترین و بوروکراسی اداری سختگیرانه دارای کمترین اهمیت است. در مورد محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، فقدان حمایت کارآفرینان از یکدیگر و ماهیت رقابتی آنان دارای بیشترین و مخالفت والدین با کارآفرینی دارای کم‌ترین اهمیت می‌باشد. در مورد موانع اقتصادی، کمبود حمایت مالی از پروژه‌های کارآفرینی توسط بانک‌ها دارای بیشترین و کمبود نقدینگی و سرمایه دارای کم‌ترین اهمیت می‌باشد. مرادی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی عوامل و موانع توسعه کارآفرینی به این نتیجه دست یافتند که از دیدگاه کارآفرینان، سه دسته عوامل زمینه‌ای، عوامل توانمندساز و عوامل بازدارنده قابل استخراج می‌باشند. در رابطه با عوامل اثرگذار بر فرآیند کارآفرینی مستقل، جعفرنژاد و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که متغیرهای فردی، شغلی، رفتاری و محیطی به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر فرآیند کارآفرینی دارا می‌باشند. جمینی و همکاران

(۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به تحلیل عواملی متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان روانسر پرداختند. نتایج منجر به شناسایی هفت عامل در ارتباط با عوامل پیش‌برنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان روانسر شد، که این عوامل به ترتیب اهمیت شامل عوامل اقتصادی، محیطی، فردی-مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی، زیرساختی، آموزشی-ترویجی و فنی بودند. همچنین در ارتباط با عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان روستایی محدوده مورد مطالعه، شش عامل شناسایی شد که این عوامل نیز به ترتیب اهمیت شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، روان‌شناختی، سیاست‌گذاری، فنی-آموزشی و زیرساختی بود. نصرالقدر و صالح‌جاهور (۲۰۱۱) به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت و شکست کارآفرینان در شرکت‌های کوچک و متوسط در بنگلادش پرداختند. در این پژوهش دو عامل رابطه و سازمان به عنوان عوامل مؤثر بر موفقیت و عوامل پایداری، عرضه و عوامل مرتبط با تولیدات به عنوان عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان معرفی شدند. کومار (۲۰۱۴) به بررسی عوامل مؤثر در موفقیت و شکست کارآفرینان در صنایع کوچک با توجه به سطح آموزش و پرورش پرداخت. بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، مزیت رقابتی، برنامه‌ریزی استراتژیک، آگاهی بازار، مدیریت و توسعه افراد؛ عملکرد و هدف روشن، مدیریت مناسب مهارت‌های فنی، تحصیلات، روابط بهتر انسانی عوامل پیش‌برنده و مهارت‌های مدیریتی ضعیف، مسائل مالی، برنامه‌ریزی و سازماندهی نامناسب، فقدان هدف مشخص، مهارت‌های پرسنلی ضعیف، تحصیلات و آموزش کم، روابط انسانی ضعیف و ترس عوامل بازدارنده کارآفرینی می‌باشند. یاسوری و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از تحلیل عاملی به تحلیل موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان گوراب پس فومن پرداختند. بر مبنای اطلاعات به دست آمده، سه عامل انگیزش و پشتکار، قابلیت‌های طبیعی و قابلیت‌های فردی از عوامل پیش‌برنده و عوامل کمبود امکانات، عوامل فرهنگی، مالی، دولتی و عوامل خانوادگی و فردی جزء عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در این منطقه می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که در این منطقه، زمینه‌های فردی و محیطی لازم برای ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار زنان روستایی وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی استفاده شده است. قلمرو مکانی این پژوهش بخش مرکزی شهرستان بویراحمد است. جامعه آماری تحقیق، تمامی سرپرستان خانوار بخش مرکزی شهرستان بویراحمد واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد بود که تعداد ۲۱۰ نفر از سرپرستان خانوار به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. شایان ذکر است که در این پرسشنامه جهت شناخت عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی از ۷۵ متغیر در قالب سؤالات با مقیاس لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) استفاده شد. سطح پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون مقدماتی از طریق تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عمل آمد و ضریب

آلفای کرونباخ $0/87$ محاسبه گردید که بیانگر نرمال بودن داده‌ها بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. تحلیل عاملی روشی مناسب برای تحلیل شاخص‌ها و تبدیل آن‌ها به عوامل معنی دار، بدون از دست دادن اطلاعات با صرفه‌جویی در زمان و هزینه است. به عبارتی، تحلیل عاملی تعداد فراوانی از متغیرها را بر اساس تعداد اندکی از ابعاد یا سازه‌ها بیان می‌کند. این روش برای شناسایی سازه‌ها یا عوامل تشکیل دهنده یک پدیده به کار می‌رود. بنابراین، هدف اصلی شیوه تحلیل عاملی، کوتاه‌سازی و سودمند ساختن داده‌های بدست آمده از متغیرهای فراوان و تبدیل آن‌ها به دسته کوچکتر از سازه‌های ترکیبی تازه (عامل‌ها) با کمترین میزان از دست رفتن داده‌ها است (ولائی و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش داده‌ها با استفاده از نرم-افزار (SPSS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول شماره (۱): نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ

سازه	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
عوامل بازدارنده کارآفرینی در مناطق روستایی	۶۳	$0/87$

منبع: یافته‌های پژوهشگر، ۱۳۹۷

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش، میانگین سن پاسخگویان $48/21$ سال (با انحراف معیار $9/97$) می‌باشد. سن جوان-ترین و مسن‌ترین پاسخگو به ترتیب 20 و 70 سال بوده است. با بررسی سطح تحصیلات مشخص شد که حدود نیمی از افراد پاسخگو دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر ($48/09$ درصد) و نیمی دارای تحصیلات زیر دیپلم ($46/19$ درصد) و ($5/72$ درصد) بی‌سواد بودند. از نظر وضعیت اشتغال نیز (80 درصد) شاغل و (20 درصد) غیرشاغل می‌باشند.

جهت تعیین ضرایب مؤلفه‌های مربوط به مؤلفه‌های بازدارنده‌ی توسعه‌ی کسب و کار در بخش مرکزی شهرستان بویراحمد از تحلیل عاملی به روش اکتشافی استفاده شد. اولین مرحله تشکیل ماتریس داده‌ها است که شامل جدولی است که ستون‌های آن متغیر و سطور آن شامل سرپرستان خانوار بخش مرکزی شهرستان بویراحمد می‌باشد. به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های گردآوری شده از آزمون بارتلت و آماره KMO استفاده شد. نتایج بدست آمده نشان داد آزمون بارتلت در سطح یک درصد معنی‌دار شده و به منظور انجام تحلیل عاملی مناسب می‌باشد.

جدول شماره (۲): نتایج آماره KMO و آزمون بارتلت

مقدار KMO	مقدار آزمون بارتلت	درجه آزادی	sig
$0/772$	$6727/681$	1953	$0/001$

منبع: یافته‌های پژوهشگر، ۱۳۹۷

در ادامه برای بررسی ارتباط درونی متغیرها از ماتریس همبستگی استفاده شد که در اینجا به دلیل حجم زیاد داده‌ها حذف شده است. در مرحله بعد با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک و اهمیت نسبی هر متغیر معلوم شد. سپس بردارهای ویژه برای تمامی مقادیر ویژه غیرصفر محاسبه و برای دستیابی به حالت مطلوب از چرخش واریماکس استفاده شد تا ساختار ساده‌ای بوجود آید. جدول زیر مقدار ویژه و درصد واریانس تبیین شده و تراکمی را قبل و بعد از چرخش نشان می‌دهد. پس از چرخش واریماکس و حذف گویه‌های بی اثر، هفت عامل با مجموع واریانس ۶۵/۷۵ درصد مشخص شد.

جدول شماره (۳): عوامل استخراج شده در رابطه با عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه

استخراج اولیه			استخراج پس از چرخش واریماکس			
عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی	مقدار ویژه	درصد واریانس	فراوانی تجمعی
۱	۹/۴۷۸	۱۵/۰۴۵	۱۵/۰۴	۸/۳۴۳	۱۳/۲۴	۱۳/۲۴
۲	۶/۵۶۱	۱۰/۴۱	۲۵/۴۶	۴/۸۷	۷/۷۳	۲۰/۹۷
۳	۴/۳۵۹	۶/۹۲	۳۲/۳۸	۳/۲۳	۵/۱۳	۲۶/۰۹
۴	۳/۳۳۱	۵/۲۹	۳۷/۶۶	۳/۱۷	۵/۰۳	۳۱/۱۲
۵	۲/۴۶۸	۳/۹۲	۴۱/۵۸	۲/۸۷	۴/۵۶	۳۵/۶۸
۶	۲/۰۰۶	۳/۱۸	۴۴/۷۷	۲/۷	۴/۲۸	۳۹/۹۷
۷	۱/۹۲۹	۳/۰۶	۴۷/۸۳	۲/۴۲	۳/۸۴	۴۳/۸۱
۸	۱/۸۳۷	۲/۹۲	۵۰/۷۴	۲/۰۶	۳/۲۷	۴۷/۰۹
۹	۱/۶۳۴	۲/۵۹	۵۳/۳۴	۲/۰۵	۳/۲۶	۵۰/۳۴
۱۰	۱/۵۳۵	۲/۴۴	۵۵/۷۷	۱/۷	۲/۶۹	۵۳/۰۴
۱۱	۱/۴۵۳	۲/۳۱	۵۸/۰۸	۱/۶۷	۲/۶۵	۵۵/۶۹
۱۲	۱/۲۷۹	۲/۰۳	۶۰/۱۱	۱/۶۶	۲/۶۴	۵۸/۳۳
۱۳	۱/۲۶۴	۲/۰۱	۶۲/۱۲	۱/۶۳	۲/۵۹	۶۰/۹۱
۱۴	۱/۲۰۳	۱/۹۱	۶۴/۰۳	۱/۵۳	۲/۴۲	۶۳/۳۴
۱۵	۱/۰۸۵	۱/۷۲	۶۵/۷۵	۱/۵۲	۲/۴۱	۶۵/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر، ۱۳۹۷

بر اساس نتایج بدست آمده اولین عامل ۱۳/۲۴ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌نماید و به تنهایی دارای بیشترین تأثیر در بازدارندگی کارآفرینی منطقه‌ی مورد مطالعه است. دومین عامل با مقدار ویژه ۴/۸۷؛ تبیین کننده‌ی ۲۰/۹۷ درصد از واریانس کل متغیرها است. عامل سوم، با ۵/۱۳ درصد از واریانس در رده سوم عامل‌ها می‌باشد. بدین ترتیب سه عامل اول؛ تبیین کننده‌ی ۲۶/۰۹ درصد از واریانس کل متغیرها می‌باشند. عامل چهارم، پنجم، ششم و هفتم نیز به ترتیب ۵/۰۳ درصد، ۴/۵۶ درصد، ۴/۲۸ درصد، ۳۹/۹۷ درصد از واریانس کل متغیرهای مربوط به بازدارنده‌ی کارآفرینی را تبیین می‌نمایند. هشت عامل دیگر نیز به ترتیب با ۳/۲۷ درصد، ۳/۲۶ درصد، ۲/۶۹ درصد، ۲/۶۵ درصد، ۲/۶۴ درصد، ۲/۵۹ درصد، ۲/۴۲ درصد و ۲/۴۱ درصد

مجموعاً ۶۵/۷۵ درصد از واریانس کل متغیرهای مربوط به بازدارنده‌ی کارآفرینی را تبیین می‌نمایند. در این پژوهش برای چرخش عوامل از واریماکس بهره گرفته شد. جدول شماره (۴) نتایج تحلیل عاملی عوامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۴): تحلیل عاملی عوامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد

بار عاملی	متغیرها	عامل
۰/۷۷۵	نوسانات زیادی در قیمت مواد خام / تجهیزات	اقتصادی
۰/۷۷۲	قیمت بالای تجهیزات و مواد اولیه	
۰/۷۷۲	عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز	
۰/۷۶۶	دسترسی به جایگزین بهتر در بازار	
۰/۷۳۸	عدم حمایت از کارآفرینان جوان	
۰/۷۳۱	سردرگمی و پیچیدگی قوانین و عدم وجود سیاست‌های واضح	
۰/۷۳۱	نرخ بالای بهره وام	
۰/۷۲۳	نبود بازار محلی جهت عرضه محصولات تولید شده	
۰/۷۱	پایین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا	
۰/۷۰۷	بازار رقابتی بالا	
۰/۶۶۶	عدم تنوع در فعالیتهای اقتصادی	
۰/۶۴۱	نفوذ دلالان و واسطه‌های متعدد بین تولیدکننده و مصرف‌کننده	
۰/۶۰۸	عملکرد فروش نامناسب و ضعف امکانات برای عرضه و فروش محصولات بدون واسطه	
۰/۴۵۴	دسترسی اندک به عوامل تولید	
۰/۳۹۷	بالا بودن میزان فقر در روستا	

ادامه ی جدول شماره (۴): تحلیل عاملی عوامل بازدارنده ی توسعه ی کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد		
بار عاملی	متغیرها	عامل
۰/۷۰۴	پایین بودن حس تعلق مکانی بین ساکنان	اجتماعی
۰/۷۰۳	بی اعتمادی جامعه به کارآفرینان	
۰/۶۹۷	پایین بودن تعاملات اجتماعی	
۰/۶۷	عدم هماهنگی و یکدست بودن ساکنان	
۰/۶۱۵	ضعف در تصمیم‌گیری	
۰/۶۱۴	پایین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان جهت انجام کار گروهی	
۰/۵۸۷	پایین بودن روحیه کار گروهی در میان روستائیان	
۰/۵۶۸	فقدان تجربه	
۰/۵۳۶	پایین بودن آشنایی با نیاز بازارهای جدید بازار	
۰/۵۲۷	ضعف زیرساخت‌های مکمل فعالیت‌های کارآفرینی در منطقه	
۰/۸۴۹	عدم روحیه ی استقلال طلبی	فردی
۸۲۰۰	عدم خلاقیت و نوآوری	
۰/۸۰۲	عدم وجود انگیزه	
۰/۷۴۷	عزت نفس پایین	
۰/۷۴۱	منفی‌گرایی و بدبینی	ضعف در شخصیت
۰/۶۹	فقدان مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی	
۰/۶۱۶	گرایش به انزوا	
۰/۵۵۲	پایین بودن آستانه ی تحمل در برابر مشکلات	
۰/۴۹۹	پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری	
۰/۷۲۳	ریسک‌گریزی	ریسک‌گریزی
۰/۷۱۵	خرافی و تقدیر گرا بودن	
۰/۶۶۱	عدم آینده نگری	
۰/۶۱۵	ترس از شکست	
۰/۷۵۹	فقدان دانش کسب و کار	آموزشی
۰/۷۵۳	عدم اطلاع‌رسانی در زمینه ی فناوری‌ها و نوآوری‌ها	
۰/۷۴۱	پایین بودن حضور مروجان جهت آموزش در زمینه ی کارآفرینی	
۰/۷۳۷	برگزاری مقطعی و نامنظم کلاس‌های کارآفرینی	

ادامه‌ی جدول شماره (۴): تحلیل عاملی عوامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد		
عامل	متغیرها	بار عاملی
عوامل فنی	عدم دسترسی به به فناوری‌های جدید جهت تولید محصول و خدمات	۰/۷۱۸
	عدم وجود مهارت کافی در استفاده از ابزار آلات مهارت کافی	۰/۶۷۱
	در دسترس نبودن متخصصان و مشاوران فنی	۰/۶۳۳
	عدم وجود طرحی برای شروع کسب و کار	۰/۵۷۴
آگاهی	آشنایی اندک با نیاز بازارهای جدید	۰/۶۶۴
	عدم آشنایی با کامپیوتر و اینترنت	۰/۶۱۲
زیرساختی	کمبود و فرسوده شدن امکانات فیزیکی	۰/۶۸۲
	نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا	۰/۶۵۷
	ساختار سنی سالمند در روستا	۰/۴۰۲
تسهیل‌گرایی	عدم استقبال مدیران بانک‌ها از ایده‌های نو کارآفرینی	۰/۷۸۴
	عدم اصلاح مقررات و قوانین دست و پاگیر اخذ وام	۰/۷۱۸
	عدم ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن کسب و کارهای روستایی	۰/۷۶۷
مدیریت	فقدان سازماندهی و تمایل برای انجام پروژه‌های کارآفرینی	۰/۷۲۲
	پایین بودن حمایت از سوی نهادهای مسئول و متولیان بخش کشاورزی	۰/۶۰۵
حمایت	عدم ترغیب و تشویق کارآفرینی از سوی دولت	۰/۵۷۵
	زنان کارآفرین برای دسترسی به خدمات پشتیبانی و مالی با مشکل مواجه‌اند	۰/۷۹۵
عدم تعادل جنسیتی	فرهنگ مردسالاری در جامعه وجود دارد	۰/۶۲۹
	عدم همکاری با جهاد و سازمان‌های مربوطه	۰/۸۰۵
عدم مشارکت	انتقال سرمایه مالی توسط روستائیان به شهر	۰/۷
	عدم انتقال تجارب شخصی روستائیان در زمینه کارآفرینی	۰/۷۱۶
فقدان تجربه	انجام ندادن فعالیت اقتصادی در نوجوانی و جوانی	۰/۵۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر، ۱۳۹۷

بر اساس نتایج بدست آمده ۱۵ عامل از بین تمام متغیرها (که شامل ۶۳ متغیر بود) مستخرج گردید. همانطور که در جدول زیر نشان داده شده است؛ ۱۵ متغیر در عامل اول بارگذاری شده‌اند. این ۱۵ متغیر به ترتیب عبارتند از: نوسانات زیادی در قیمت مواد خام / تجهیزات، قیمت بالای تجهیزات و مواد اولیه و پایین بودن قیمت فروش محصولات تولید شده نسبت به هزینه‌های صورت گرفته، عدم دسترسی به منابع مالی مورد نیاز

(عدم دسترسی به وام و دشواری فراهم کردن شرایط اخذ تسهیلات بانکی (ضامن و وثیقه)، دسترسی به جایگزین بهتر در بازار، عدم حمایت از کارآفرینان جوان، سردرگمی و پیچیدگی قوانین و عدم وجود سیاست‌های واضح، نرخ بالای بهره وام، نبود بازار محلی جهت عرضه محصولات تولید شده، پایین بودن تجهیزات مدرن مکانیزاسیون در روستا، بازار رقابتی بالا، عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی، نفوذ دلالان و واسطه‌های متعدد بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، عملکرد فروش نامناسب و ضعف امکانات برای عرضه و فروش محصولات بدون واسطه، دسترسی اندک به عوامل تولید و بالا بودن میزان فقر در روستا. دومین عامل با مقدار ویژه $4/87$ و درصد واریانس $7/73$ ، از ۱۰ متغیر شامل پایین بودن حس تعلق مکانی بین ساکنان، بی‌اعتمادی جامعه به کارآفرینان، پایین بودن تعاملات اجتماعی، عدم هماهنگی و یکدست بودن ساکنان، ضعف در تصمیم‌گیری، پایین بودن اعتماد به آشنایان و دوستان جهت انجام کار گروهی، پایین بودن روحیه کار گروهی در میان روستائیان، فقدان تجربه، پایین بودن آشنایی با نیاز بازارهای جدید بازار و ضعف زیرساخت‌های مکمل فعالیت‌های کارآفرینی در منطقه تشکیل شده است. با توجه به متغیرهای بارگذاری شده در این دسته، عامل دوم اجتماعی نامیده شد. سومین عامل با مقدار ویژه $3/23$ و درصد واریانس $5/13$ از متغیرهای عدم روحیه‌ی استقلال طلبی، عدم خلاقیت و نوآوری، عدم وجود انگیزه و عزت نفس پایین تشکیل شده است. بنابراین این عامل بر عوامل شخصیتی و روانی تأکید دارد. لذا عامل فردی نامیده شد. عامل چهارم با مقدار ویژه $3/17$ و درصد واریانس $5/03$ عامل ضعف در شخصیت نامیده شد. علت این نام‌گذاری قرار گرفتن متغیرهای منفی‌گرایی و بدبینی، فقدان مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی، گرایش به انزوا، پایین بودن آستانه‌ی تحمل در برابر مشکلات و پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری است. عامل پنجم با مقدار ویژه $2/87$ عامل ریسک‌گریزی نامیده شد. این عامل شامل متغیرهای ریسک‌گریزی، خرافی و تقدیرگرا بودن، عدم آینده‌نگری و ترس از شکست می‌باشد. عامل ششم با مقدار ویژه $2/7$ عامل موانع آموزشی نامیده شد. این عامل به ترتیب شامل متغیرهای فقدان دانش کسب و کار، عدم اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی فناوری‌ها و نوآوری‌ها اطلاع ضعیف از طرح‌های حمایتی در نقاط روستایی، پایین بودن حضور مروجان جهت آموزش در زمینه‌ی کارآفرینی، برگزاری مقطعی و نامنظم کلاس‌های کارآفرینی و عدم تمایل جهت شرکت در کلاس‌های کارآفرینی می‌باشد. این متغیرها مجموعاً $4/28$ درصد از واریانس کل عوامل بازدارنده کارآفرینی را تبیین می‌نمایند. هفتمین عامل با مقدار ویژه $2/42$ ، تبیین کننده $3/84$ درصد از واریانس کل عوامل بازدارنده کارآفرینی است. متغیرهای این حیطة شامل عدم دسترسی به فناوری‌های جدید جهت تولید محصول و خدمات، عدم وجود مهارت کافی در استفاده از ابزارآلات مهارت کافی، در دسترس نبودن متخصصان و مشاوران فنی و عدم وجود طرحی برای شروع کسب و کار می‌باشد. عامل هشتم با مقدار ویژه $2/06$ و درصد واریانس $3/27$ شامل متغیرهای آشنایی اندک با نیاز بازارهای جدید و عدم آشنایی با کامپیوتر و اینترنت است. عامل نهم با مقدار ویژه $2/05$ شامل متغیرهای کمبود و فرسوده شدن

امکانات فیزیکی، نبود فرصت‌های کاری مناسب در روستا و ساختار سنی سالمند در روستا است. این متغیرها تبیین کننده ۳/۲۶ درصد از واریانس کل بازدارنده‌های کارآفرینی می‌باشند. عامل دهم شامل متغیرهای عدم ترغیب و تشویق کارآفرینی از سوی دولت و عدم اصلاح مقررات و قوانین دست و پاگیر اخذ وام و تبیین کننده ۲/۶۹ درصد از واریانس کل متغیرهای بازدارنده کارآفرینی می‌باشد. بنابراین این عامل تسهیلاتی نامیده شد. با توجه به بارگزاری متغیرهای عدم ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن کسب و کارهای روستایی و فقدان سازماندهی و تمایل برای انجام پروژه‌های کارآفرینی در عامل یازدهم، این عامل مدیریتی نام گرفت (با مقدار ویژه ۱/۶۷ و درصد واریانس ۲/۶۵). متغیرهای عدم ساماندهی و شناسنامه‌دار کردن کسب و کارهای روستایی و فقدان سازماندهی و تمایل برای انجام پروژه‌های کارآفرینی در دوازدهمین عامل بارگزاری شدند. بنابراین این عامل مدیریتی نامیده شد (با مقدار ویژه ۱/۶۶ و درصد واریانس ۲/۶۴). سیزدهمین عامل با عنوان حمایتی و مقدار ویژه ۱/۶۳ و درصد واریانس ۲/۵۹ شامل متغیرهای پایین بودن حمایت از سوی نهادهای مسئول و متولیان بخش کشاورزی و عدم ترغیب و تشویق کارآفرینی از سوی دولت است. چهاردهمین عامل با عنوان عدم تعادل جنسیتی با مقدار ویژه ۱/۵۳ و درصد واریانس ۲/۴۲ شامل متغیرهای عدم همکاری با جهاد و سازمان‌های مربوطه و انتقال سرمایه مالی توسط روستائیان به شهر می‌باشد. آخرین عامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی کارآفرینی (عامل پانزدهم) شامل دو متغیر عدم انتقال تجارب شخصی روستائیان در زمینه کارآفرینی و انجام ندادن فعالیت اقتصادی در نوجوانی و جوانی بود. از این رو این عامل فقدان تجربه نام‌گذاری شد. بر این اساس، در این تحلیل پانزده عامل استخراج گردید که در مجموع شامل ۶۳ متغیر است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ۱۵ عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه شامل اقتصادی، اجتماعی، فردی، ضعف در شخصیت، ریسک‌گریزی، آموزشی، عوامل فنی، نا آگاهی، زیرساختی، تسهیلاتی، مدیریتی، حمایتی، عدم تعادل جنسیتی، عدم مشارکت، فقدان تجربه می‌باشد. این پانزده عامل در کل ۶۵/۷۵ درصد از کل واریانس عوامل بازدارنده کارآفرینی را تبیین نمودند. اصلی‌ترین عامل بازدارنده‌ی کارآفرینی در این منطقه عامل اقتصادی است و مهم‌ترین متغیر بازدارنده‌ی اقتصادی کسب و کار کارآفرینی روستایی، نوسانات زیاد در قیمت مواد خام / تجهیزات می‌باشد. این نتیجه همسو با یافته‌های حاصل از پژوهش دی بوک و همکاران (۲۰۰۱) می‌باشد در این پژوهش عوامل فنی را مانعی جهت عدم توسعه کشاورزی ارگانیک دانسته‌اند و همچنین با نتایج پژوهش نیل و همکاران (۲۰۰۹) که مهارت‌های فنی را در عدم کنترل آفات و علف‌های هرز مؤثر دانسته‌اند؛ نیز همسو می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و مطرح شدن عامل اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین بازدارنده کسب و کار و مشخص شدن نوسانات شدید در قیمت مواد خام و تجهیزات به عنوان مهم‌ترین متغیر کارآفرینی، پیشنهاد می‌گردد که دولت با اجرای روش‌ها و ساز و کارهای مختلف نسبت به حداقل نمودن نوسانات قیمتی در مواد خام و

تجهیزات جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینانه اقدام نماید. همچنین با اجرای سیاست‌هایی در جهت بهبود وضع اقتصادی جهت شروع کسب و کار روستاییان همت گمارد. برای این منظور در نظر گرفتن تسهیلات کم بهره برای کارآفرینان، ایجاد مراکز رشد روستایی با واگذاری تعدادی دفتر کار، ایجاد مجتمع‌های کارگاهی و غیره از جمله این اقدامات می‌باشد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، بهبود زیرساخت نواحی روستایی، ساخت پارک‌های کارآفرینی و فراهم‌سازی ایجاد شرایط تأسیس مراکز رشد (انکوباتور) در مناطق روستایی مورد مطالعه پیشنهاد می‌شود.

همچنین ساخت مراکزی در روستاها که به آموزش کارآفرینی همت گماشته ضروری می‌باشد. در این راستا ایجاد مراکز آموزشی و بهره‌گیری از کارآفرینان برتر روستایی یا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بومی جهت انتقال تجربیات خود و آموزش آموخته‌ها به دیگر افراد روستایی و تشویق و انگیزش آنان به توسعه و آبادانی روستای خود پیشنهاد می‌گردد.



منابع و ماخذ

- ۱- اکبری، م.، رضوانفر، ا.، علم بیگی، ا. (۱۳۹۵). تحلیل رفتار کارآفرینانه کشاورزان در مواجهه با تغییر اقلیم (شواهدی از بخشهای کامفیروز و کر استان فارس)، توسعه کارآفرینی، جلد ۹، شماره ۳: ۴۱۴-۳۹۷.
- ۲- ایمانی، ع.، یعقوبی، ن.، مبارکی، م. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت بندی خط مشی‌های توسعه‌ی کارآفرینی بخش تعاون، فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، جلد ۱۰، شماره ۱: ۳۹-۲۱.
- ۳- پارساپور، س.، براتی، ج.، رسول زاده، م. (۱۳۹۶). عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین مورد مطالعه: بنگاه‌های صنعتی شهرستان مشهد، توسعه کارآفرینی، جلد ۱۰، شماره ۱: ۶۰-۴۱.
- ۴- جمینی، داود، تقدیسی، احمد، علیپور، خالد، فیضی، شلیر (۱۳۹۴). تحلیل عاملی متغیرهای پیش‌برنده و بازدارنده توسعه کارآفرینی در میان زنان روستایی شهرستان روانسر. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دوره ۱۳، شماره ۱: ۸۸-۶۳.
- ۵- جعفرنژاد، ا.، کیاکجوری، ک.، رودگرزاد، ف. (۱۳۹۰). تبیین عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی مستقل (مطالعه موردی: کارآفرینان شهرستان بندر انزلی)، توسعه کارآفرینی، جلد ۴، شماره ۱۳: ۸۷-۶۹.
- ۶- رحیم‌پور، شهدخت، یوسفی، هنگامه (۱۳۹۵). بررسی موانع کارآفرینی زنان قالیباف روستایی.
- ۷- نصرالهی، م.، اللهیاری، م.ص.، صداقت‌حور، ش. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر عدم موفقیت تعاونی‌های چایکاران در استان گیلان. تعاون و کشاورزی. سال چهارم، شماره ۱۴: ۱۲۶-۱۱۱.
- ۸- علیدوست، س.، لشگرآرا، ف.، فرج‌اله‌حسینی، ج. (۱۳۹۱). اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان: ۱۳-۱.
- ۹- شهرکی، ح.، موحدی، ر.، یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۵). واکاوی مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی کارآفرینی روستایی: یک پژوهش کیفی، توسعه کارآفرینی، جلد ۹، شماره ۴: ۷۶۷-۷۴۹.
- ۱۰- ضیاء، بابک، وقارموسوی، مجید. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش‌های رسمی کارآفرینی بر شکل‌گیری قصد کارآفرینانه. (۱)۹: ۱۱۷-۹۹.
- ۱۱- علی میری، م. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها، توسعه کارآفرینی، جلد ۱، شماره ۱: ۱۶۹-۱۳۳.
- ۱۲- فیض پور، م.، سعیدا اردکانی، س.، پوش دوز باشی، ه. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر حیات بنگاه‌های جدیدالورود کوچک و متوسط در تغییرات اشتغال: تجاربی از صنعت نساجی ایران طی دوره ۸۴-۱۳۷۵
- ۱۳- قدیری‌معصوم، م.، چراغی، م.، کاظمی، ن.، زارع، ز. (۱۳۹۳). تحلیل موانع توسعه‌ی کارآفرینی در نواحی روستایی مورد: دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۳، شماره ۱: ۱۷-۳.

- ۱۴- قمبرعلی، ر. زرافشانی. (۱۳۸۷). شناسایی شاخص‌های موفقیت کارآفرینان روستایی با استفاده از تحلیل مقیاس‌بندی چند بعدی، توسعه کارآفرینی، جلد ۱، شماره ۲: ۱۳۱-۱۶۰.
- ۱۵- قمبرعلی، ر.، آگهی، ح.، علی‌بیگی، ا.ح.، زرافشانی، ک. ۱۳۹۵. ارزیابی فرهنگ کارآفرینی و عوامل مؤثر بر شکست کارآفرینان کشاورزی در شهرستان کرمانشاه. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، جلد ۷، شماره ۲، صص. ۳۶۵-۳۷۳.
- ۱۶- مرادی، ش.، رضایی، ب.، پاپ‌زن، ع. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل توسعه کارآفرینی از منظر کارآفرینان ایرانی (مورد مطالعه: تجربه زیسته‌ی کارآفرینان در برنامه تلویزیونی پایش)، توسعه کارآفرینی، جلد ۹، شماره ۳: ۵۱۳-۵۳۲.
- ۱۷- نیک رفتار، ط.، حسینی، ا. (۱۳۹۵). تأثیر دانش پیشین بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه (مورد مطالعه: آژانس‌های گردشگری مشارکت‌کننده در نمایشگاه گردشگری شهر شیراز)، توسعه کارآفرینی، جلد ۹، شماره ۴: ۷۴۸-۷۳۱.
- ۱۸- ورمزیاری، ح.، ایمانی، ب. (۱۳۹۶). تحلیل تاب‌آوری کسب و کارهای روستایی در شهرستان ملکان، توسعه کارآفرینی، جلد ۱۰، شماره ۱: ۱۸۱-۲۰۰.
- ۱۹- ولاتی، م.، عبدالهی، ع.، منافی‌آذر، ر.، صفری، ن. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کارآفرینی (مطالعه‌ی موردی: دهستان مرحمت‌آبادشمالی - شهرستان میاندوآب). فصلنامه برنامه-ریزی منطقه‌ای، جلد ۵، شماره ۱۹: ۱۶۲-۱۴۹.
- ۲۰- یاسوری، م.، باسط‌قریشی، م.، وطن‌خواه، ژ. ۱۳۹۴. تحلیل موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان روستایی دهستان گوراب پس فومن. پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۲: ۳۴۲-۳۲۳.
- 21-Baum, J. R., Locke, E. A., & Smith, K. G. (2001). A multidimensional model of venture growth. *Academy of management journal*, 44(2): 292-303.
- 22- Chung, K.C. (2004), *Entrepreneurial Opportunity Identification Through of Bisociative Mode of Thinking*, Unpublished doctoral Dissertation, university of Hong kong
- 23-Dahlstrand, A.L. (2007). "Technology-based entrepreneurship and regional development: the case of Sweden", *European Business Review* 19 (5), 373-86.
- 24-De Buck, A. J., Rijn, N. and Roling, G. (2001). Farmers reasons for changing or not changing to more sustainable practices: an exploratory study of arable farmers in the Netherlands. *The Journal for Agricultural Extension and Education*, 7(3): 153-166.

- 25-Jangchi Kashani¹, S., Mesbah, A., Mahmoodi, S. 2015. Analysis of Barriers to Agricultural Entrepreneurship Development from the Perspective of Agricultural Entrepreneurs in Qazvin Province. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*. 5(12). Pp. 47-55.
- 26-Kumar, D. 2014. A Study of factors related to success & failure of entrepreneurship in small scale industries with importance on their level of education and training. *International Journal of Research in Commerce, IT & Management*, 4(6), Pp. 51-53.
- 27-Muruganatham, n., Natarajan, G. 2015. Barriers of Entrepreneur in Rural Area. *International Journal of Applied Research* 2015; 1(7): 621-624.
- 28-Nasrul Quadir, S.M. Saleh Jahur, M. 2011. Determinants of Success and Failure of Entrepreneurs of SMEs in Bangladesh- An Explorative Study. *European Journal of Business and Management*. 3(2).
- 29-Nill, J. and Kemp, R. (2009). Evolutionary approaches for sustainable innovation policies. *Resour Policy*, 38(3): 668-680.
- 30-Shan, S. Locke, E. & Collin, C (2003). Entrepreneurial motivation, Human resource management Review, Vol. 13, pp. 257-279.